



این تصویر منساقوسی (تاریخ احتمالی مرگ ۱۳۳۲) یکی از مقتدرترین فرمانروایان امپراطوری مالی را نشان می‌دهد. که از یک نقشه آفریقا اثر جوهانس ویلادستس (۱۴۲۸) استخراج شده است. این نقشه یکی از چندین نقشه اولیه جدید مهمی است که در ماجورگار در قرن چهاردهم و پانزدهم ترسیم شده است.

می‌نمود.

بحران کمبود اسناد تا حدودی زیاد ریشه در نژاد پرستی داشت. تمدنها اغلب بر اساس آثار مادی بجای مانده یا سوابق مکتوب مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند. و بیشتر قسمتهای آفریقای سیاه هیچیک از این دو را نداشتند.

بحران کمبود اسناد و مدارک نتایج ضمنی برای علم و فلسفه نیز داشته است. فقدان کلام مکتوب آفریقا را از گسترش افکار و عقاید جدید و دیدگاههای ضد سنت محروم کرده است. سنتهای

شفاهی و سینه به سینه در آفریقا به نوعی بود که همواره با اتفاق نظر مورد پذیرش همگان بود و کمتر با نظرات مخالف مواجه می‌شد.

آیا افلاطون‌ها، جان‌لاک‌ها، روسوها و لنین‌های آفریقا کجا بودند؟ بسیاری از آنها در همین گورستان توافق و هم‌رایی، گورستان سنتهای سینه به سینه و غیر مکتوب مدفون‌اند. آفریقاییهایی که توانستند بدرخشند در همان سطح زندگی روستایی ماندند و نبوغ آنها در میراث فرهنگ شفاهی آفریقایی روستایی منجمد شد.

اگر کارل مارکس در یک سنت شفاهی در قرن نوزدهم اروپا موجودیت خود را نشان می‌داد چه کسی ممکن بود در قرن بیستم از وجودش آگاهی پیدا کند؟ به آثار مکتوب نیاز بود تا عقاید مخالفی که وی نسبت به سنت مردمی داشت حفظ شود.

ولی اگر چه سنت شفاهی و سینه به سینه نقل شده علت کمبود اسناد در بازمانده‌های مکتوب و مادی است همچنین می‌تواند پویایی حافظه خام انسانی را تصور کند.

سوالی که در قرن بیستم ممکن است پیش آید این است که آیا این حافظه خام بشری نمونه‌ای از اسناد اولیه باقی مانده است؟ آیا مقادیر زیادی از این نوع اسناد خام وجود دارد؟ آیا مردم معمولی آفریقا مطالب بسیاری را از اصل و نسب خود در گذشته به یاد می‌آورند؟ آیا گذشته به خوبی در میان ما زنده است؟ آیا زمان حال خیلی زودگذر و موقتی است؟

در نیمه دوم قرن بیستم سرسخت‌ترین جنبه بازمانده از روزگار اولیه بازگشت هویت قومی است. بسیاری از آفریقاییان میل ندارند سابقه قومی گذشته خود را از یاد ببرند. حتی اگر از قبیلله‌هایی چون «باگاندا» یا «اکولی»، «لو»، «کی‌کویر، سونا»، «ندیل» «هوسا»، «یوروبا» یا «ایبو» باشند. بازگشت هویت قومی یک نوع بازگشت اسناد و مدارک در سطح حافظه خام بشری است. قومیت، یک آرشیو است که انباشته از اسناد سالنامه‌های قبایل، سوابق جوامع و یادگار هویت جمعی است.

این وضعیت، بازتابانی در دوران بعد از استعمار داشته است. هویت قومی بازمانده بیش از نقصان آگاهی طبقاتی بر آفریقا سنگینی می‌کند. شاهد مثال

آنکه وقتی پای مسائل سیاسی به میان می‌آید یک کشاورز از تیره هوسا ابتدا یک هوسا است و بعد یک کشاورز.

کمبود آگاهی طبقاتی در آفریقا با کمبود اسناد ادبی پیچیده گشته است. چگونه است که از نظر جامعه‌شناسی - زبان‌شناسی برای یک آفریقایی میسر نیست که یک مارکسیست عمیق باشد بی آنکه در همین حال صبغه غربی پذیرفته باشد؟ انسان نمی‌تواند یک مارکسیست عمیق باشد بدون آنکه با آثار مارکس، انگلس، لنین و دیگر رهبران و پایه‌گذاران عقیدتی این مکتب آشنا شده باشد. ولی این آثار هیچ یک به زبان بومی در آفریقا موجود نیست. بنابراین دستیابی به مبانی پیشرفته مارکسیسم باید از طریق تسلط به یک زبان اروپایی صورت گیرد. در حال حاضر وجود یک مارکسیست بدون اینکه صبغه غربی گرفته باشد امری متناقض است.

در اصول سوسیالیسم اروپایی تاریخ به عنوان یک شاهد بر ضد گذشته به کار گرفته شده است. منظور مارکس و انگلس از اینکه کلیه حوادث و وقایع را رنج ناشی از کشمکش طبقاتی می‌شمارند همین است. در مقابل این دیدگاه برخی از سوسیالیستهای آفریقا تاریخ را به عنوان یک شاهد به نفع گذشته تلقی می‌کنند. از اینرو سنت به عنوان جمع‌گرایی اولیه، علاقه به محرومان و مهمان‌نوازی جهانی تلقی شده است.

شیوه استفاده از آرشیو مکتوب در اروپا سبب شد که سوسیالیسم به عنوان یک گسستگی و گاه به منزله دگرگونی اساسی و ناگهانی جهت بردن از گذشته در نظر گرفته شود. در حالی که سوسیالیسم آفریقایی در برخی از کشورها به صورت یک اصل مستمر یعنی همبسته با سنت‌های زندگی قدیمی تلقی شده است.

در حالیکه سوسیالیسم اروپائی گذشته را نفی کرده است، سوسیالیسم آفریقایی مهر تأیید بر اسلاف آفریقایی زده است. در حالی که کارل مارکس آرشیو موزه بریتانیا را به عنوان اسنادی حمایت‌کننده از انقلاب اجتماعی مورد استفاده قرار می‌داد سوسیالیست‌های آفریقایی به آرشیو بسا دید احیاء فرهنگی برخورد می‌کردند.

تاریخ زیمبابوه بر روی نوار

و موزه‌ها در جوامع با مواد ساخته است. نگهداری اینگونه مواد امری است بسیار ضروری، زیرا نوگرانی فزاینده عصر کنونی سرعت تاریخ و اطلاعات کلامی سنتی در کام خود می‌گیرد و بسیاری از یادبودها و یادگارها اگر توسط نسل حاضر ضبط نشود برای همیشه از بین خواهد رفت. این پروژه اکنون در زیمبابوه به سه زبان عمده یعنی شونا، ندبلی و انگلیسی اجرا می‌شود. مورخین این زبانها را از طریق مصاحبه آزاد با افراد مطلع و با کمک وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و مطبوعات جهت انجام تبلیغات لازم ضبط می‌کنند. نوارهای مصاحبه‌ها سپس بوسیله مورخین پیاده، ترجمه و ویرایش می‌شود و آنگاه برای نصاب‌سازی و تهیه فهرست در اختیار کارپردازان قرار می‌گیرد و این افراد نیز پس از انجام این مرحله نتایج را جهت استفاده عموم ارائه می‌دهند. بدین گونه یک بانک اطلاعاتی که مشتمل بر شجره‌شناسی داستانهای اخلاقی، قصه‌ها، افسانه‌ها، حماسه‌ها، ترانه‌ها، اشعار، و گفتارهای مربوط به مراسم مذهبی و سنتی است گردآوری شده است.

در روستاهای زیمبابوه، مثل دیگر کشورهای آفریقائی که در همه آنها سنت‌های کلامی پایگاهی قوی دارد، وقتی جلساتی برای رسیدگی به منازعات و امور مردم این جوامع روستائی تشکیل می‌شود، مدعیان موفق معمولاً آن کسانی هستند که در حمایت و اثبات ادعای خود نکات و جزئیات تاریخی و موجود در شجره‌شناسی را مفصلاً ذکر می‌کنند. در سالهای اخیر اینگونه گردهم‌آئی‌ها گذشته از کسانی که نسبت به نتایج آنها ذینفع و ذیعلاقه بودند، تاریخ‌نگاران آرشیوهای زیمبابوه را نیز که از سال ۱۹۷۷ پروژه وسیعی را در زمینه ضبط و نگهداری تاریخ و سنت‌های شفاهی کشور آغاز کرده‌اند بخود جلب کرده است. این جلسات نه فقط گنجینه‌گرانهائی از اطلاعات را مهیا می‌کند، بلکه تاریخ‌نگاران را نسبت به افراد مطلعی که بعداً باید مورد مصاحبه قرار گیرند یاری می‌دهد.

استدلالی که در پشت «برنامه تاریخ شفاهی» قرار دارد آنست که سنت‌ها و رسوم مردم بی‌سواد قدیمی همان وظیفه‌ای را انجام می‌دهد که از عهده آرشیوها



اما این تنها ایدئولوژی و فلسفه نیست که دربارهٔ پیوستگی و تحول سؤال می‌کند. علم نیز نیازمند اصل ناپایداری - آمادگی برای به مبارزه فراخوانده شدن از سوی بدعت و سنت شکنی است.

علم و تکنولوژی در آفریقا بیش از حد پایدار بوده است. و نمونه‌های تغییر بسیار نادر است. با این پایداری، علم را که بی حرکت می‌شود. ولی آیا علم در آفریقا به معنای دیگری ناپایدار نبوده است؟ آیا از آنجا که علم با سنت شفاهی و کلامی آموزش داده می‌شد دستخوش تغییر افواهی نبود؟ جواب این سؤال مثبت است. علمی که از طریق کلام برزبانها به چرخش درمی آید تحول پذیر است. اما این تحول بیشتر از مقولهٔ بی دقتی است تا تجدید نظر دقیق.

آندسته از زبانهای آفریقایی که بر روی کاغذ نیامدند نیز ناپایدار بودند و خیلی سریع متحول شدند. درک یک شعر آفریقایی قرن نوزدهم حتی به زبان کیسواهللی بسیار مشکل تر است از فهم شعر انگلیسی همین قرن. بسیاری از آفریقاییان به آموختن زبانهای سلطنتی اروپا مشتاق ترند تا به حمایت کردن از زبانهای بومی خود. میهن پرستی زبانی ضعیف است تا حدی از آن رو که سنت آرشیو ناتوان است.

پس برای وضعیت جدید آرشیو در آفریقا چه باید کرد؟ شاعر انگلیسی ویلیام وردزنت در یکی از اشعارش بنام «چکامه‌ای بر اسرار زندگی جاویدان» از کودک به عنوان پدر بشر سخن می‌گوید. در غرب آرشیو ملی فرزند سنت آرشیوی بود. در آنجا آرشیو ملی نتیجهٔ یک مشغولیت فرهنگی از پیش موجود در نگهداری اسناد بود. اما در آفریقا آرشیو ملی ممکن است مجبور باشد سمت پدری را بر سنت آرشیو به عهده بگیرد و یا حداقل به تقویت آن همت گمارد.

اکنون چیزی بیشتر از اسناد خاک گرفته در دست است. بیش از این نباید تصور کرد که زمان حال دیر پا است و گذشته هنوز همراه ما است، هر چند ممکن است هیچ چیزی نداشته باشیم که اسناد آن را نگهداری کنیم. ما باید بیاموزیم که حسابها را نگهداریم، تولدها، ازدواجها، و مرگها را ثبت کنیم، آلبومهای عکس نگهداری کنیم و بالاخره به حفظ و نگهداری پیمانها و قراردادهای برداریم.

شاید مقدم بر همه چیز، ما نیاز به آن داریم که نه فقط بدعتگذارهای روشنفکرانه را پاس داریم، بلکه جوی را پدید آوریم که در سایه آن، این بدعتها به دست فراموشی سپرده نشوند. یک نظم آرشیوی جدید در آفریقا می‌تواند به تحول بنیادی این قاره کمک کند. و آنگاه دنیا در مقابل یک آفریقایی متحول و متفاوت باید دیدنیایی کاملاً متفاوت باشد. ■

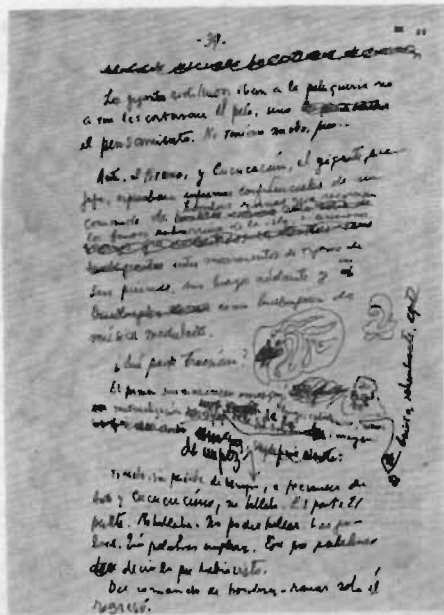
علی مزروعی، اهل کنیا، استاد تحقیق در دانشگاه جوس در نیجریه و استاد علوم سیاسی و مطالعات آفریقا - آمریکا و مطالعات آفریقا در دانشگاه میشیگان در آن آربر می‌باشد. وی مؤلف مجموعه «فدراسیون جهانی فرهنگها» شامل بخشهای زیر می‌باشد: چشم‌اندازی بر آفریقا (۱۹۷۶)، روابط بین‌المللی آفریقا (۱۹۷۷)، ارزشهای سیاسی و طبقه تحصیلکرده در آفریقا (۱۹۷۸). نوشته حاضر چکیده‌ای است از مقاله‌ای که پروفیسور مزروعی در هفتین کنفرانس و سمینار یک سال در میان شعبه منطقه‌ای شرقی و مرکزی آفریقا وابسته به شورای بین‌المللی آرشیو که در هرازه (در زیمباوه) در سال ۱۹۸۲ برگ ارشد ارائه گردیده است.

در سال ۱۹۸۱ جامائیکا مبادرت به ایجاد یک «بانک خاطرات» از میراث‌های فرهنگی نمود که هدف آن تهیه و حفظ اسناد و مدارک و اشکال سنتی فرهنگ شامل رقصها، مراسم، و تجارب و دانشهایی بود که نزد بسیاری از سالمندان یافت می‌شد. در سال ۱۹۸۲ این پروژه از حمایت صندوق بین‌المللی یونسکو برای اعتلای فرهنگ برخوردار شد. یک کشاورز (سمت راست تصویر) چگونگی کشت نشاسته کاساوارا را تشریح می‌کند. در کنار وی مصاحبه‌کنندهٔ بانک خاطرها همراه سه کشاورز دیگر با دقت به او گوش می‌دهند.

کنفرانس کلیسایی شیلی با همکاری و کمک «صندوق بین‌المللی یونسکو برای اعتلای فرهنگ» دست‌اندرکار برنامه‌ای است که هدف آن گردآوری، ضبط و انتشار ترانه‌های روستایی سنتی، و برگزاری جشنواره‌هایی است که این ترانه‌ها در آن اجرا می‌شود. بدین ترتیب در نظر است یکی از قدیمیترین اشکال ادبیات عامیانه در آمریکای لاتین حفظ شود. در این تصویر خوانندهٔ اهل شیلی، مانوئل گالاردو مشاهده می‌شود.



سمت راست: کاریکاتوری است (از یک نقاش گمنام) از رمان نویس و شاعر گواتمالائی میگل آنخل استوریاس که در سال ۱۹۶۷ برنده جایزه ادبی نوبل گردید. سمت چپ: صفحه‌ای است دست‌نویس از متن ال آر بل دولاکروز (درخت صلیب)، کتابی ناتمام و چاپ نشده از استوریاس که آنرا همراه دیگر نسخ دست‌نویس خود به کتابخانه ملی فرانسه بمنظور استفاده از آنها در تهیه نسخ تصحیح شده کلیه آثارش در سطح بین‌المللی اهداء کرده است. تاکنون پنج کتاب از آثار وی با حمایت صندوق بین‌المللی یونسکو برای اعتلای فرهنگ انتشار یافته است.



فرهنگ برخوردار شد. این همکاری سنجشی از یک حرکت عظیم‌تری را برای صیانت میراث فرهنگی بشر که هدفش تأکید بر قسمت حیاتی و در عین حال فناپذیر فرهنگ است تشکیل می‌دهد. این هدف در کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی (موندیپاک) که در سال ۱۹۸۲ در مکزیک برگزار شد بعنوان یکی از نقطه‌نظرهای عمده یونسکو تشریح گردید. به‌علاوه آرشیو ادبیات آمریکای لاتین، جزایر دریای کارائیب و آفریقا همراه با انجمن دوستاناران میگل آنخل استوریاس یک سازمان غیر دولتی را بسا بسایگاه مشورتی رسمی در مقابل یونسکو تشکیل میدهند. امضای «بسیان آرشیوها» در سپتامبر ۱۹۸۴ در بوئنس آیرس بین چهار کشور از آمریکای لاتین و چهار کشور لاتینی اروپا موجبات تولد مجموعه آرشیو ادبیات آمریکای لاتین در قرن بیستم را فراهم آورد. چکیده سخنرانی لئوپلادار سنگور یکی از فعالترین پایه‌گذاران این همکاری چند جانبه که بمناسبت امضای این قرارداد ایراد شده است به دنبال خواهد آمد.

تحقیقات ایتالیا، مرکز عالی تحقیقات علمی اسپانیا، انستیتو ملی تحقیقات علمی پرتغال، و کتابخانه‌های ملی آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب قسابل ذکرند. درست بهمانصورت که نسخ دست‌نویس استوریاس به کتابخانه ملی فرانسه اهدا شد، نسخ دست‌نویس نویسندگان مناطق مذکور نیز بطور سیستماتیک قبل از آنکه بایگانی شوند و بصورت میکروفیلم درآیند نمایه‌سازی می‌شوند. دانشجویان و محققین پس از آن به اینگونه اسناد گرانها دسترسی خواهند داشت. به‌علاوه گروهی از متخصصان در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای بسیج خواهند شد تا کار تهیه مجموعه آثار تصحیح شده عمده را در کشورهای مذکور بعهده بگیرند. این مجموعه آنگاه به صحت ارزیابی تاریخ ادبیات این مناطق و درک و فهم صحیح‌تری از ادبیات آنها در قرن بیستم کمک خواهد کرد. از همان ابتدا این پروژه همکاری چند جانبه که منطقه را در بر می‌گرفت از حمایت یونسکو از مساعدت صندوق بین‌المللی یونسکو برای اشاعه

حدود دوازده سال قبل نویسنده گواتمالائی میگل آنخل استوریاس (۱۸۹۹-۱۹۷۴) نسخ دست‌نویس و همچنین آرشیو شخصی خود را به کتابخانه ملی فرانسه اهدا کرد تا هم محفوظ بمانند و هم بر امکان چاپ نسخه‌ای تصحیح شده و بین‌المللی در مجموعه آثارش فراهم آید. تحت حمایت و سرپرستی «انجمن دوستاناران میگل آنخل استوریاس» که دبیرکل آن صاحب‌نظر ادبی ایتالیا آموس سگالا و سرپرست شورای علمی بین‌المللی آن لئوپلادار سنگور می‌باشد، چندین جلد از آثار نامبرده از چاپ گذشته است. با کسب این تجربه، انجمن مذکور و همقطاران فرانسوی و بین‌المللی ذی‌علاقه دامنه این فعالیت را با اجرای پروژه‌ای مهم بنام «آرشیو ادبیات آمریکای لاتین، جزایر دریای کارائیب و آفریقا در قرن بیستم» گسترش دادند. هدف این پروژه بین‌المللی حفظ و نشر نسخ دست‌نویس نویسندگان معاصر آمریکای لاتین، جزایر دریای کارائیب و آفریقا است. شماری از مؤسسات علمی با این پروژه همکاری دارند که از آنجمله مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه، سازمان ملی



مرکز اشاعه فرهنگ آلبو کارپن تی‌یر که در سال ۱۹۸۲ در هاوانا افتتاح شد، اداره مرکزی خود را در خانه‌ای که الهام‌بخش این شاعر بزرگ در خلق «انفجار در کلیسا» بوده است قرارداد. مرکز مذکور آثار کارپن تی‌یر و عموماً فرهنگ و موسیقی معاصر کوبا را اشاعه می‌دهد و به مبادلات فرهنگی با مؤسسات مشابه خود در دیگر کشورها می‌پردازد.